



The Iranian Association of  
Medical Law



The Bioethics and Health  
Law Institute

## Investigating the Basics of Citizenship Rights in Iran's Judicial System

Ghorban Norouzian<sup>1</sup>, Ali Salehi Farsani<sup>2\*</sup>, Ali Reza Saberian<sup>2</sup>

1. Department of Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Department of Law and Political Science, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Citizenship rights are a part of contemporary concepts that have entered the legal literature of Iran. Also, in Iran's judicial structure, there is a positive approach towards this concept, and efforts are being made to use this concept practically. Our goal in this article is to know the basics of citizenship rights in Iran's legal system.

**Method:** This article has analyzed the basics of citizenship rights in Iran's judicial system in a descriptive-analytical way and tried to explain these basics. The research tool is the sampling of library resources.

**Ethical Considerations:** The principles of honesty and trustworthiness have been observed from the beginning to the end of the article.

**Results:** The findings indicate that citizenship rights are accepted as a positive concept in all areas of Iranian society and require the opinion of individuals in the society. The importance of this issue and the need to address it in the scientific texts being published is obvious, and researchers all over the world are seeking to improve the understanding of societies about the rights that are necessary and necessary when facing the judicial structure.

**Conclusion:** Benefiting from the principle of acquittal, the right to defense, fair trial, the right to protest judicial decisions, open and non-discriminatory proceedings, the right to access judicial evidence, the principle of legality of crimes and punishments, the right to compensation for damages caused by judicial errors, the right to choose a lawyer is one of the most important Judicial rights are considered citizenship. In Iranian law, in Article 34 of the Constitution, litigation is an inalienable right of all people. According to Principle 156, the judiciary is the supporter of individual and social rights and is responsible for realizing justice as well as restoring public rights and expanding justice and legitimate freedoms.

**Keywords:** Citizenship Rights; Judicial Courts; Rule of Procedures; Judicial Security; Support Mechanisms

**Corresponding Author:** Ali Salehi Farsani; **Email:** [ali\\_salehi62@alumni.ut.ac.ir](mailto:ali_salehi62@alumni.ut.ac.ir)

**Received:** January 14, 2022; **Accepted:** April 06, 2022; **Published Online:** January 19, 2023

### Please cite this article as:

Norouzian GH, Salehi Farsani A, Saberian AR. Investigating the Basics of Citizenship Rights in Iran's Judicial System. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e5.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق سلامت

## بررسی مبانی حقوق شهروندی در نظام قضایی ایران

قربان نوروزیان<sup>۱</sup>، علی صالحی فارسانی<sup>۲\*</sup>، علیرضا صابریان<sup>۲</sup>

۱. گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
۲. گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

## چکیده

**زمینه و هدف:** حقوق شهروندی جزئی از مفاهیم معاصر است که وارد ادبیات حقوقی ایران هم شده است. همچنین در ساختار قضایی ایران رویکردی مثبت نسبت به این مفهوم وجود دارد و کوشش بر این است تا این مفهوم به طور عملی مورد استفاده قرار گیرد. هدف ما در این مقاله شناخت مبانی حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران می‌باشد.

**روش:** مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی مبانی حقوق شهروندی در نظام قضایی ایران را مورد بررسی قرار داده و در تبیین این مبانی کوشش نموده است. ابزار تحقیق فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** از ابتدا تا انتهای مقاله اصول صداقت و امانتداری رعایت گردیده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از این است که در حقوق شهروندی در تمام ساحت‌های جامعه ایران نیز به عنوان مفهومی مثبت پذیرفته شده و متمح نظر آحاد افراد جامعه نیز می‌باشد. اهمیت این موضوع و ضرورت پرداختن به آن در متون علمی در حال انتشار امری بدیهی است و محققانی در سراسر دنیا به دنبال بهبود فهم جوامع از حقوقی هستند که در مواجهه با ساختار قضایی لازم و ضروری است.

**نتیجه‌گیری:** بهره‌مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله قضایی، اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب وکیل از مهم‌ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می‌گردد. در حقوق ایران در اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم تمامی افراد ذکر شده است. طبق اصل ۱۵۶، قوه قضاییه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق‌بخشیدن به عدالت و نیز احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع قرار داده شده است.

**واژگان کلیدی:** حقوق شهروندی؛ محاکم قضایی؛ آیین دادرسی؛ امنیت قضایی؛ مکانیزم‌های حمایتی

نویسنده مسئول: علی صالحی فارسانی؛ پست الکترونیک: [ali\\_salehi62@alumni.ut.ac.ir](mailto:ali_salehi62@alumni.ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Norouzian GH, Salehi Farsani A, Saberian AR. Investigating the Basics of Citizenship Rights in Iran's Judicial System. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e5.

## مقدمه

دستگاه قضایی به عنوان یک نهاد اجتماعی، دارای کارکردهایی در زمینه تأمین نیازمندی‌های حیات اجتماعی بشر است. از عمده‌ترین نیازها، یکی نیاز به تنظیم روابط شهروندان با یکدیگر و با نظام حاکم، بر اساس مقررات شفاف و منطقی که حقوق، آزادی‌ها و تکالیف متقابل آن‌ها را مشخص کرده باشد و دیگری نیاز به حل اختلافات راجع به حقوق، آزادی‌ها و تکالیف مزبور توسط شخص سوم قابل قبول و مورد اعتماد طرفین است. ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مواد ۱، ۹ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در همین ارتباط قابل ذکر و بهره‌برداری هستند. در مقدمه مصوبه سازمان ملل متحد تحت عنوان «اصول اساسی استقلال قضایی» نیز تصریح شده است که علت تدوین این اصول و تصویب آن‌ها سعی و اهتمام در جهت عملیاتی کردن تضمین‌های پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در خصوص حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان است. در همین راستا ذکر این نکته مفید به نظر می‌رسد که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۱، در ارتباط با نقش استقلال قضایی در تضمین آزادی‌های شهروندی چنین اعلام نظر کرده است: «وجود دستگاه قضایی مستقل به عنوان بهترین تضمین برای آزادی‌های شخصی محسوب می‌شود» در زمینه حقوق شهروندی در مراجع قضایی مهم‌ترین بحثی که پیش می‌آید، مفهوم امنیت قضایی و تضمین امنیت قضایی می‌باشد که در مباحث به آن به طور مبسوط پرداخته می‌شود.

این پژوهش با تکیه بر جنبه قضایی حقوق شهروندی، مفهوم امنیت قضایی را در میان شهروندان به بحث می‌گذارد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که حقوق قضایی شهروندان در سیستم قضایی ایران با چه مکانیسمی مورد حمایت قرار می‌گیرد. روش مطالعه و پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

۱. پیشینه تحقیق: منصوره ارجمندی فرد (۱۳۹۲ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از

منظر فقه و دین اسلام» به این نتیجه رسیده است که: «برای تداوم حیات انسان در زمین و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی انسان‌ها، شناخت حقوق و رعایت آن ضروری است، حقوق شهروندی منعکس‌کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه‌ای است که در آن هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه همراه با صلح، امنیت و رفاه برخوردار گردد.»

ایوب احمدپور (۱۳۸۷ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام» به این نتیجه رسیده است که: «حقوق شهروندی از مفاهیم مدرن و از لوازم زندگی دموکراتیک افراد در یک جامعه سیاسی محسوب می‌شود. این مفهوم با اعلامیه بشر و حقوق شهروند فرانسه تجلی عینی کامل یافت و اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر آن تأکید نمود. در رابطه با حقوق شهروندی دو دیدگاه وجود دارد: یک نظر دین را ناتوان از وضع قواعدی به عنوان حقوق شهروندی می‌داند؛ دیدگاه دیگر که از سوی برخی نظریه‌پردازان دینی القا می‌شود، قائل به این است که دین مجموعه تکالیفی است برای بشر و او باید در قالب این تکالیف به انجام وظیفه پرداخته و تصور حقوقی برای اعطای اختیار و آزادی و غیر آن به انسان، خارج از موازین دینی و مبانی اسلامی است. در این نوشته سعی شده است به طور مبنایی ثابت شود که انسان در اندیشه اسلامی فردی است حق‌مدار و برای رسیدن به حقوق شایسته خود نیازمند انجام اموری به عنوان تکالیف است. بر این اساس، تکالیف نیز بازگشت به حقوق دارند. شناسایی و تعیین قواعدی برای زندگی اجتماعی انسان که از آن جمله حقوق شهروندی می‌باشد، نه تنها با مبانی دین مخالف نیست، بلکه بالعکس از لوازم حتمی و مبنایی زندگی افراد در جامعه اسلامی قلمداد می‌شود.»

علی سلیمی (۱۳۹۹ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران» به این نتیجه رسیده است که: «در این مقاله به بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران پرداخته حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آن‌ها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا اصول و مبانی حقوق

تضمینات حقوقی است که هیأت حاکمه از طریق وضع قانون و سازمان‌دهی سیاسی، اداری و قضایی نسبت به حقوق شهروندان به عمل می‌آورد (۱).

هنگامی که فساد و تخلف و حيله و ریشه‌های آن از جامعه خشکانده شود و عوامل ورود ضررهای جانی و روانی افراد از بین رود، موجب صیانت از حقوق مشروع افراد و جلوگیری از تهدید و تجاوز نسبت به آزادی و شرافت آن‌ها می‌شود که به این موضوع امنیت قضایی نیز گویند استقلال قضات محاکم و بی‌طرفی آن‌ها و اجرای مقررات قانون آیین دادرسی و رعایت حق تدارک دفاع موجب شجاعت و اراده افراد و ایستادگی آن‌ها از حقوق خود در مقابل متجاوز است (۲) که این تعهدات حقوقی می‌تواند قانونی بوده یا تعهداتی که منشأ آن قراردادهایی است که فرد بدان وابسته است. اقتضای قواعد حقوقی این است که فرد به تعهدات حقوقی و قراردادی خود ملتزم باشد و امنیت قضایی بدین معناست که چنانچه به گونه‌ای این تعهدات نقض شدند تمامی کسانی که بر اثر نقض قاعده حقوقی متضرر گشته‌اند، دارای اطمینان خاطر از ترمیم ضررهای وارده باشند و در مقابل تمامی کسانی که اصرار به نقض قواعد حقوقی دارند، مطمئن باشند که سازمان دادگاه‌ها آنان را به علت نقض قواعد حقوقی تنبیه خواهد کرد و به شکل دیگر می‌توان تبیین نمود که در واقع امنیت قضایی به منزله ایجاد فضایی مطمئن تضمین‌شده و عادلانه و عالمانه برای اجرای قواعد حقوقی است (۳).

امنیت قضایی به معنای امروزی بیشتر پس از تولد دولت ملت‌های مدرن و کار ویژه دولت مدرن در برابر ملت تفسیر شده است. از این رو «امنیت قضایی» کاربرد دوگانه‌ای دارد از یکسو به کار ویژه و وظایف دولت در برابر ملت اشاره دارد و معتقد است دستگاه حاکم باید شرایط ایجاد امنیت قضایی را به عنوان یکی از شؤونات کلی امنیت در جامعه فراهم سازد و شهروندان بتوانند از عدالت در قضاوت و رسیدگی قضایی برخوردار باشند و از سوی دیگر شهروندان نسبت به اقدامات خارج از حیطه قانون امنیت داشته باشند. امنیت قضایی نوعی تضمین است که دولت‌ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان

شهروندی در نظام اداری منبعث از منشور حقوق شامل مواردی مانند، اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف، انجام امور اداری مردم مبتنی بر اصل بی‌طرفی، بی‌طرف قضایی، اطلاع‌رسانی تصمیمات و اقدامات اداری، ارائه راهنمایی‌های لازم در چارچوب وظایف محوله. الزام به ارائه و انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی‌شده و مورد نیاز شهروندان توسط دستگاه‌های اجرایی، بهره‌گیری غیر تبعیض‌آمیز شهروندان از مزایای دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی، امکان فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران در نظام اداری بهره‌گیری شهروندان از فرصت‌های شغلی مناسب، می‌باشد.»

## روش

مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی مبانی حقوق شهروندی در نظام قضایی ایران را مورد بررسی قرار داده و در تبیین این مبانی کوشش نموده است. ابزار تحقیق فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

## یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از این است که در حقوق شهروندی در تمام ساحت‌های جامعه ایران نیز به عنوان مفهومی مثبت پذیرفته شده و متمم نظر آحاد افراد جامعه نیز می‌باشد. اهمیت این موضوع و ضرورت پرداختن به آن در متون علمی در حال انتشار امری بدیهی است و محققانی در سراسر دنیا به دنبال بهبود فهم جوامع از حقوقی هستند که در مواجهه با ساختار قضایی لازم و ضروری است.

## بحث

۱. مفهوم امنیت قضایی: افراد با مجموعه حقوق و آزادی‌های طبیعی و انسانی خود، به عنوان شهروند داخل در جامعه‌اند. مجموعه این حقوق خدادادی در جای خود متضمن این حق مطالبه از هیأت اجتماعی است که آن‌ها را به رسمیت بشناسد، محترم بشناسد و از آن‌ها حمایت کند که حاصلان را می‌توان «امنیت» نامید. با این ترتیب می‌توان گفت امنیت نتیجه

شود، این قاعده را می‌توان انصافاً به منزله تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان تلقی کرد، زیرا اگر قانون عطف به ما سبق شود، هیچ‌گونه امنیت حقوقی وجود نخواهد داشت (۱).

از یونان باستان تاکنون درباره اصل حاکمیت قانون، مبانی و ارزش‌ها و ویژگی‌های آن سخن گفته شده و می‌شود. گاهی از آن به مفهوم برابری و مساوات در برابر قانون تعبیر شده است، گاهی از آن به حکومت قانون در مقایسه با حکومت‌های دیکتاتوری استفاده شده است و گاهی آن را به ویژگی‌های عمومیت‌داشتن مستمر و صریح‌بودن قوانین معرفی کرده‌اند، اما فصل مشترک همه موارد فوق را می‌توان در این نکته خلاصه نمود که استفاده خودسرانه از قدرت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی مردود است. میزان مشروعیت حکومت به میزان وفاداری سران قدرت به موازین قانونی فراشخصی و خردمندانه بستگی دارد (۵).

**۲-۳. وجود دادگستری شایسته:** اگر دادگستری حاکم بر یک کشور به معنای واقعی و در عمل مرجع تظلم‌خواهی باشد و کسانی که به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند را تنبیه نماید و همه افراد جامعه به محاکم دسترسی داشته باشند، طبیعتاً حقوق اشتخاص و امنیت ایشان تضمین می‌شود.

John Lock معتقد است دلیل اساسی اجتناب بشر از زندگی در حالت طبیعی و پذیرش زندگی اجتماعی، ملاحظه همین نیازها بوده است. از نظر ایشان آنجا که هیچ قاعده عام با ثبات و قاضی عمومی برای حل اختلافات وجود نداشته باشد، افراد در حالت زندگی طبیعی به سر می‌برند. از نظر Lock، نیاز به قاضی عمومی برای حل دعاوی راجع به حقوق و آزادی‌های شهروندان یک نیاز اساسی است (۶). کارکرد اصلی و بنیادی دستگاه قضا در یک ظلم دموکراتیک، تنها حل اختلافات راجع به حقوق و تکلیف شهروندان و گروه‌های خصوصی با یکدیگر نیست با این قسمت از کارکرد قوه قضاییه در جوامع غیر دموکراتیک نیز از پشتیبانی حکومت برخوردار است، اما این حکومت‌ها به دلیل عدم تبعیت از محدودیت‌های قانونی، به تسلیم اختلالات راجع به الزامات خود در قبال حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، به قوه قضاییه‌ای که تحت

خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان ایجاد می‌کنند تا شهروندان در سایه این امنیت بتوانند فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود را تحت قانون انجام دهند (۴).

تضمینات امنیت قضایی را می‌توان به دو دسته تضمینات عام تضمینات خاص دسته‌بندی کرد تضمینات عام همان حق دادخواهی افراد است و تضمینات خاص نیز همان آزادی دفاع افراد است که در ادامه مطالب به دسته‌بندی آن‌ها اشاره مختصری خواهیم کرد.

**۲. تضمینات امنیت قضایی:** تضمین‌کننده حقوق همه شهروندان در کلیه دعاوی مطروحه در محاکم قضایی امنیت قضایی محقق خواهد نمود. در دعاوی کیفری امنیت قضایی بیشتر خود را نمایان می‌کند. حقوق شهروندی در تحقیقات مقدماتی دادسرا مورد مناقشه است که چنانچه متهم امنیت قضایی او تأمین نباشد، خطرناک و آسیب‌پذیر می‌باشد.

**۱-۲. تضمینات عام امنیت قضایی:** پرواضح است برای سلامت قضایی اصولی در محاکم رعایت شود تا متهم احساس امنیت قضایی برای جلوگیری از تضییع حقوق خویش نماید در این مجمل سعی شده است که اصول اساسی و کاربردی برای شناخت امنیت قضایی مطرح شود.

**۲-۲. اصل حاکمیت قانون:** اصل حاکمیت قانون باید توجه داشت که اقدامات و تصمیمات مسوولین چه سیاسی باشد چه قضایی و چه اداری باید به حکم قانون باشد، یعنی بر اساس سلیق شخصی مسوولان نباشد و این یکی از اصلی‌ترین اصول حقوقی است و فلسفه آن این است که مسوولین خود رأی و مستبد نباشند. تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان و استقرار امنیت برای آنان در گرو تنظیم و اقتدار هیأت حاکمه از طریق وضع قوانینی است که حدود اختیارات آنان را به نحو منطقی مشخص می‌نماید. در این راستا قانون شایسته باید اولاً حقانیت و مشروعیت داشته باشد، به این معنی که فقط از طریق پارلمان مردمی به تصویب رسیده باشد؛ ثانیاً کلی و غیر شخصی باشد بدین معنا که خطاب به عموم مردم باشد و برای همه یکسان اعمال شود؛ ثالثاً قانون نباید عطف به ما سبق

حق کامل دارد که پرونده خود را در دادگاه مستقل و بی طرف مورد رسیدگی قرار دهد» (۹).

۲-۵. استقلال قضایی: استقلال و بی طرفی قاضی معمولاً به عنوان شرط بنیادین محاکمه عادلانه تلقی شده و شاید این دو شرط بیش از هر شرط دیگری بر طرح ساختاری قوه قضاییه و موضع آن در نهادسازی یک دولت اثر بگذارد. مفهوم استقلال به فقط رابطه قاضی با دستگاه اداری اشاره می کند، در حالی که مفهوم «بی طرفی» اساساً به موضع قاضی در رابطه با طرفین دعوی عطف می نماید، اگرچه این دو مفهوم متفاوتند، ولی اغلب متفقاً و بدون مرز مشخصی مابین آن ها مورد بررسی قرار می گیرند و هدف هر دو مفهوم جلب اعتماد قاطبه مردم نسبت به دستگاه عدالت بوده و استقلال به خودی خود وسیله ای برای حفظ بی طرفی می باشد (۱۰).

۳. مسئولیت قضات و دستگاه قضایی: با مردمی شدن نظام های سیاسی، اصل مسئولیت قضات همانند دیگر زمامداران و کارگزاران، به عنوان شرط مطلوب و لازم برای حقانیت و تضمین امنیت مردم پذیرفته شده است، هرچند دادگاه ها و قضات مرجع رسیدگی به تظلمات عمومی هستند، اما منصب زمامداری خواه ناخواه آنان را در موضع قدرتی قرار می دهد که افراد جامعه در مقابلان آسیب پذیر می شوند. در چنین حالتی است که اصل مسئولیت قضات، به منظور توجه به امنیت افراد، ضرورت منطقی پیدا می کند (۱).

بند ۶ ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره به مسئولیت مدنی دستگاه قضایی دارد؛ «هرگاه حکم محکومیت جزایی کسی بعداً فسخ بشود یا یک امر حادث و یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی باشد و بالنتیجه مورد عفو قرار گیرد، شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده است، استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران شود.»

اصل در قضاوت اجرای عدالت و احقاق حق و رفع خصومت است و قاضی صرفاً برای صدور حکم قضاوت نمی کند، بلکه وظیفه او تحقق غرض حکم، یعنی حق و عدالت است. طبیعت قضاوت، نقص قانون، نابسامانی دستگاه قضایی، تعدد مراجع

کنترل آن ها نیست، تمایلی ندارند، نظام های دموکراسی از وضعیتی متفاوت برخوردارند. تأمین و تضمین حقوق و آزادی های اساسی شهروندان، به عنوان یکی از نیازهای عمده و بنیادین حیات اجتماعی، محور اصلی و موضوع کلیدی نظام های دموکراسی و مردم سالار است. بر این اساس، از همان ابتدای تشکیل حکومت های جمهوری و در تمام نظام های دموکراسی، دادگاه ها نقش عمده و اساسی در تضمین آزادی های شهروندان به عهده داشته اند و هم اکنون نیز چنین نقشی را بر عهده دارند (۸). اسناد بین المللی حقوق بشر در مواد مختلف به این مهم توجه کرده اند و ضمن تصریح و تأکید بر رعایت حقوق و آزادی های اساسی شهروندان، به منظور تضمین و حفظ آن ها از تعرض و تجاوز اشخاص مختلف به خصوص صاحبان قدرت، ضرورت وجود دستگاه قضایی مستقل را مورد حکم قرار داده اند. دقت و تأمل در مقدمه و مواد مختلف منشور سازمان ملل متحد به ویژه بند «ب» ماده ۱۳، بیانگر این واقعیت است که یکی از اهداف تشکیل سازمان موصوف، حفظ و حمایت از آزادی های اساسی انسان ها و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.) در مواد ۱، ۳ و ۹ به حق برخورداری همه افراد از آزادی و امنیت شخصی پرداخته و هیچ کس را مجاز به سلب خودسرانه آزادی دیگران ندانسته است، سپس در ماده ۱۰ لزوم وجود دادگاه های مستقل را به عنوان تضمینی قابل اطمینان مورد حکم قرار داده است (۹).

۲-۴. قابل دسترسی بودن دادگاه صالح برای دادخواهی: تظلم و دادخواهی از حقوق اساسی همه مردم است، به طوری که افرادی که به نوعی حقوق، آزادی ها و امنیت آن ها نقض شده است، برای احیای این حق اقدام به جبران حق می نمایند (۱). حق شکایت به این معناست که شخص می تواند برای احقاق حقوق خود به دادگاه صالح قضایی تعیین شده توسط قانون مراجعه کند و این دادگاه بدون هیچ گونه تبعیضی برای همه افراد آزاد است و این پروسه برای مشتری پیچیده و پرهزینه نیست (۲). حدود این حق را قانون تعیین می کند. این حق در اسناد بین المللی نیز به خوبی گنجانده شده است، قسمت ۱ ماده ۲۱ بند ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس

گاه در بندی جداگانه آورده شده است، یکی از سنگ بناهای مهم محاکمه عادلانه می‌باشد. بر اساس بند ۱ ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر کسی که به جرم جنایی متهم شده است، بی‌گناه محسوب می‌شود تا زمانی که در قانون عمومی در دادگاهی که در آن تمام ضمانت‌های لازم برای دفاع خود را داشته باشد، گناه وی ثابت شود. همچنین طبق ماده بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون حقوق بشر اروپا: «هر کسی که به جرم جنایی متهم شده است، حق دارد که بی‌گناه فرض شود تا زمانی که طبق قانون گناه او ثابت شود.» در ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز آمده است: «متهم بی‌گناه است تا زمانی که جرم وی از طریق دادرسی عادلانه که تمام تضمین‌ها برای دفاع از وی ارائه شود، ثابت شود.»

**۴-۲. اصل علنی بودن دادرسی:** در جوامع آزاد، نظارت و کنترل کلی دستگاه‌های حکومت، من جمله محاکم با مردم است. جریان دعوی عمده از طریق مطبوعات به استحضار مردم می‌رسد و موجب می‌شود که دادرسان از اعمال اغراض خصوصی و تضییع حقوق متهم و تجاوز به آزادی وی خودداری کنند، اما دادگاه‌هایی که در کشورهای استبدادی تشکیل می‌شود، غالباً سری و دستوری است. هدف اصلی از تشکیل آن‌ها صدور حکم علیه متهم و محکومیت وی و تحصیل مجوز برای مجازات اوست (۱۳).

ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر در این مورد می‌گوید: «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوی او به وسیله دادگاه مساوی و بی‌طرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشند، اتخاذ تصمیم بنماید.» بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این امر تأکید دارد: «هر کس حق دارد به اینکه دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود.»

بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز به این مهم می‌پردازد، طبق این ماده: «هر کس حق دارد به دادرسی

تحقیقاتی و نقص در تحقیقات مقدماتی بر احتمال خطای قضات می‌افزاید و چه بسا در اثر خطای او خسارات مادی و معنوی غیر قابل جبران به وجود آید و از این رو اصل جبران خسارت توسط قاضی لازم می‌آید و قضات هم دارای مسئولیت مدنی و هم دارای مسئولیت کیفری می‌شوند. قاضی را نمی‌توان به سبب قضاوتی که می‌کند یا حکمی که می‌دهد جز در حدود قانون مورد تعقیب قرار داد، اما مصونیت قاضی مانع از جبران ضرر و زیان ناشی از تقصیر و اشتباه او نیست (۱۱).

**۴. تضمینات خاص امنیت قضایی شهروندان:** پس از بیان شرایط عام جهت دستیابی به امنیت قضایی شهروندان و بیان کردن شرایط دادگاه‌ها باید به این نکته مهم اشاره کرد که دادگاه‌ها و مراجع قضایی کشور در اجرای وظایف قانونی خود برای ایجاد امنیت قضایی در جامعه باید به گونه‌ای رفتار کنند که بر حقوق و آزادی افراد لطمه‌ای وارد نشود، تاریخ قضایی کشور نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد مأمورین و مراجع تظلمات عمومی برای رسیدن به هدف خود از وسایل نامطلوبی استفاده می‌نمودند که چه بسا حرمت انسان‌ها مورد تهدید قرار گرفته و امنیت افراد سلب شده است. بازداشت‌های بی‌مورد مجازات‌های غیر متناسب و آزارهای روحی و جسمی به افراد بی‌گناه از سوابق تلخ قضایی به شمار می‌رود (۱).

در ادامه مطالب اشاره‌ای به حقوق دفاعی طرفین در رسیدگی که معیارهای دادرسی عادلانه را پرداخته شده است.

**۴-۱. اصل برائت:** در یک کلام می‌توان اصل مترقی برائت را دستاورد حقوقی جوامع پیشرفته و متمدن به حساب آورد، به گونه‌ای که در دو صده اخیر خصوصاً پس از جنگ دوم جهانی حقوقدانان و مقننین کشورها به ان عنایت خاصی داشته‌اند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که در گذشته‌های دور و حتی تا یکی دو قرن اخیر، جز در برخی نظام‌های حقوقی فرض برائت متهمین جز در پاره‌ای از اتهامات پذیرفته نبود و در صورت عدم توانایی شاکی بر ارائه دلیل بر علیه متهم اثبات بی‌گناهی بر عهده خود متهم گذاشته می‌شد (۱۲).

اصل برائت اصل اساسی در دادرسی عادلانه است. این اصل که در اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشر گاه در کنار حقوق دیگر و

عادلانه و علنی توسط دادگاه مستقل و بی‌طرفی که توسط قانون تأسیس شده است برسد.»

۴-۳. **حق داشتن وکیل در دعوی:** امروزه یکی از مهم‌ترین اجزای فنی حق دفاع متهم و تضمین‌های دادرسی عادلانه در موارد بین‌المللی حقوق بشر حق بهره‌مندی از وکیل یا مشاور حقوقی است. حق مزبور در تمام فرایندهای قضایی مورد احترام است. بنابراین هر یک از طرفین دعوا حق دارند به دفاع شخصی از خود بپردازند یا اینکه از وکیل بهره ببرند. حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی حقی است اساسی که به تضمین «رعایت این قانون» کمک می‌کند (۱۴).

مجهزبودن دستگاه دادرسی به اشخاص حقوقدان و مطلع از قبیل دادستان و بازپرس که به نمایندگی دولت افراد را تحت تعقیب جزایی قرار می‌دهند، ایجاب می‌کند که به افراد نیز حق داده شود تا به منظور دفاع از اتهام به همان وسائل ملتجی شود. عدم رعایت حق مزبور، مستلزم نفی تعادل میان طرفین دعوی خواهد بود، لذا حق داشتن وکیل در کلیه مراحل دعوی از حقوق اولیه هر فرد محسوب می‌شود، لذا در اکثر قوانین اساسی کشورها این حق را قید کرده‌اند تا از تجاوز حکومت به آن به هر نحو و کیفیتی ولو به وسیله قوه جلوگیری کنند (۱۳).

بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۳ در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر حقوق مجرم شامل حق تدارک دفاع و زمان مقتضی و امکانات لازم در این خصوص و انتخاب وکیل شخصی خود یا نداشتن وکیل شخصی، حق انتخاب آن و در صورت ناتوانی از پرداخت حق‌الوکاله تعیین وکیل تسخیری از طرف دادگستری تأکید شده است. در همین راستا بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۵۵ و بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به این حق اشاره می‌کند.

۴-۴. **قانونی بودن جرم و مجازات:** این اصل بیانگر استاندارد زندگی فردی و اجتماعی است. حداقل این اصل، این است که همه شهروندان مرزهای حقوق و وظایف خود را از قبل تعیین شده دارند و در رفتار و تنظیم روابط خود سردرگم و بلا تکلیف

نیستند. به این ترتیب می‌توان دریافت که بین قانون و امنیت و موضوعات آن‌ها رابطه منطقی وجود دارد. در این رابطه نظامی حاکمیت دارد که در آن «قانون» ملاک اصلی برای تبیین جرائم و مجازات‌ها و در نتیجه تضمین امنیت شهروندان می‌باشد. این نظام را اصطلاحاً «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» می‌نامند. اصل مذکور به عنوان یکی از تضمینات اساسی امنیت قضایی و عدالت کیفری به شمار می‌رود که به عنوان یک تجربه موفق تاریخی در نظام بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها مورد استقبال قرار گرفته است (۱).

نتیجه مستقیم اصل قانونی بودن جرم و مجازات، «اصل تفسیر محدود است، یعنی قاضی حق ندارد به وقت تفسیر خودسرانه عمل کند و متون جزایی را با تفسیر موسع علیه متهم اعمال نماید» (۱۵).

در اسناد بین‌المللی بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد: هیچ کس به دلیل هرگونه عمل یا ترک فعلی که به موجب قانون ملی یا بین‌المللی، در زمان ارتکاب، جرم محسوب نگردیده، مجرم شناخته نمی‌شود. در همین ارتباط بند ۱ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با الفاظی مشابه اشاره می‌کند: «هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکابان بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود...»

۵. **سیر تاریخی رعایت حقوق قضایی شهروندان در ایران بر پایه رویه‌های تقنینی:** در دوران باستان اجرای مجازات به موجب قانون در اکثر ممالک امری ناشناخته به نظر می‌رسید. قضات به هنگام صدور رأی مجبور به تبعیت از قانون خاصی نبودند و در رسیدگی از اختیارات فراوانی برخوردار بودند، اغلب اتفاق می‌افتاد که اجرای به اصطلاح عدالت، به مراتب ظالمانه‌تر و خشن‌تر از خود عمل ارتكابی بود.

در عهد هخامنشی قضاوت و داوری زیر نظر شاه انجام می‌گرفت. مغان و پیشوایان مذهبی مجری قانون و مرجع صدور احکام بودند. تمام قدرت و من جمله امر قضاوت زیر نفوذ شاه بود شاه امر قضاوت و انتخاب قضات را به یکی از



بود و این انتساب به نحوی منجر به سلب آزادی یا در مضیقه قراردادان وی شود باید از این کار جلوگیری نمود (۱).

۵-۱. اصل برائت قبل از اسلام: برخی معتقدند اولین نظام حقوقی که اصل برائت را به صورت حقوقی و با همان معنای امروزی آن اعلام کرد و قبول کرد نظام حقوقی اسلام می‌باشد. مبانی اصل برائت در اسلام را می‌توان در دو اصل جستجو کرد. اولین اصل، اصل عدم است این اصل، از جمله اصول عقلی است بر پایه آن، اصل به عدم هر چیزی است، مگر آنکه وجودش ثابت گردد. اصل دیگر، قاعده «تدرئ الحدود بالشبهات» است طبق این قاعده که در مفاد مختلف قانون مجازات اسلامی نیز مفادان منعکس شده است، از محکوم کردن و مجازات کردن شخص متهم در موارد وجود شبهه خودداری می‌گردد (۱۲).

۵-۲. قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها پیش از اسلام: پیش از اسلام اصل قانونی بودن جرم و مجازات مفهومی نداشت. هر عملی را که شخص پادشاه یا پیشوایان مذهبی و حکام جرم تصور می‌کردند مجازات می‌شد. در اسلام بر لزوم قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها از ۱۴ قرن پیش دلیل‌هایی را می‌شناختند، از جمله شارع مقدس در سوره اسراء، آیه ۱۵ می‌فرماید: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا؛ ما هیچ کس را پیش از برانگیختن پیامبر به کیفر نمی‌رسانیم.» در این آیه خداوند کیفر گناهکاران را به بیان تکلیف و حکم موکول کرده است (۱۸). اصل قانونی بودن جرم و مجازات با مفاد قاعده «قبح عقاب بلا بیان» قابل مقایسه است. قاعده این است که تا زمانی که عملی منع شرعی نداشته باشد و آن منع به مکلف نباشد، اگر شخصی مرتکب شود مجازات او عقلاً زشت و قبیح است. فقها این قاعده را قاعده عقلی می‌دانند. بدین معنی که معتقدند عقاب و مؤاخذه نسبت به فعل و یا ترک فعلی که از سوی مقام تشریح برای شخص مرتکب بیان واصل نگردیده قبیح است. یکی از احکام مستقل عقلی حسن عدل و قبح ظلم است. بیشتر کارهای خوب و بد بر اساس انطباق یا عدم انطباق با صدق عنوان عدل و ظلم محکوم به خوبی و بدی می‌شوند. عقاب و مؤاخذه بر فعل یا ترک فعلی که به مرتکب هیچ‌گونه

دانشمندان سالخورده واگذار می‌کرد. محاکم به دو دسته عالی و محلی تقسیم می‌شدند. محاکم عالی از ۷ نفر قاضی تشکیل می‌شد. پادشاهان از اختیارات بی حد و حصری برخوردار بودند، آنان در تعیین نوع مجازات و میزان آن اختیارات بی‌محدودیتی داشتند. شاه مافوق قانون بود و محدود به صلاحیت خاصی نبودند (۱۶).

از مطالعات تاریخی چنین برمی‌آید که در گذشته‌های دور و حتی تا یکی دو قرن اخیر جز در برخی از نظام‌های حقوقی مثل حقوق اسلام فرض برائت متهمین لاقول در پاره‌ای از اتهامات پذیرفته نبود و در صورت عدم توانایی شاکی بر ارائه دلیل کافی علیه متهم اثبات بی‌گناهی متهم بر عهده خود او واگذار می‌شد. این امر خطیر در پاره‌ای از ادوار تاریخی از طریق توسل به آیین «اوردالی» یا داوری ایزدی که خود ریشه در اعتقادات دوران بت پرستی داشت و قضات بر این باور بودند که ایزدان به کمک متهم بی‌گناه خواهد شنافت و چنین متهمی از آزمون اوردالی روسپید بیرون خواهد آمد (۱۲).

نظام حقوقی اسلام با توجه خاص به مصالح فردی و اجتماعی و درجه‌بندی نمودن آن‌ها، نظام کیفری خود را به صورت یک نظام کیفری دوگانه ارائه نموده است. در این نظام کیفری برای جرائمی مصالح و منافع ثابت و لا متغیری دارند مجازات‌های ثابت در نظر گرفته می‌شود و برای جرائمی که متأثر از شرایط زمان و مکان و ویژگی‌های مجرم است مجازات‌های غیر ثابت تحت عنوان تعزیرات مشخص نموده است (۱۷).

در حقوق اسلام بر پایه برخی از آیات قرآن کریم، مانند سوره طلاق آیه ۷، سوره اسراء آیه ۱۵، سوره یوسف آیات ۷ و ۷۸ و نیز با توسل بر برخی اصول عملی بدون تردید می‌توان به پذیرش و اعطای جایگاه رفیع برای فرض برائت حکم کرد مفاد این اصل نیز از جنبه شرعی مورد تأکید ائمه معصومین قرار گرفته است (۱۲).

هنگامی که بین مجرم بودن یک شخص یا بی‌گناهی او شک و تردید باشد، اصول فقه به اصل برائت تمسک می‌جوید پس مفهوم این اصل این است که وقتی در وجود یک حکم شک وجود دارد بالتبع تکلیفی هم وجود ندارد، پس یعنی هر جا ما شک کردیم که و انتساب یک موضوعی به شخصی محل تردید

در قانون اساسی مشروطه صحبتی از حقوق قضایی شهروندان و تشکیلات قوه قضاییه نشده بود، چون این قانون بیشتر به طرز کار مجلس شورای ملی و مجلس سنا مربوط می‌شد. در متمم قانون اساسی مشروطه فصلی به عنوان اقتدار محاکمات از اصل هفتاد و یکم تا اصل هشتاد و دوم به این موضوع اختصاص داده شده است (۱).

**۶. جایگاه قانونی اصول حقوق شهروندی در ایران پس از انقلاب اسلامی:** قانون اساسی ایران ضمن اصول متعددی به بحث حقوق قضایی شهروندان پرداخته است. حضرت امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴، یعنی پس از گذشت نزدیک به ۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای خطاب به قوه قضاییه و ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر کرد.

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، این قانون در ابتدا بخشنامه ریاست محترم قوه قضاییه بود و تبدیل شدن این بخشنامه به قانون حاصل ابتکار مجلس ششم بوده است. بنا بر مطالبی که در بالا بیان شد، جایگاه قانونی حقوق قضایی شهروندان را باید در این سه متن جستجو کرد.

**۱-۶. اصل برائت پس از انقلاب اسلامی:** اصل ۳۷ قانون اساسی اعلام می‌کند: «اصل برائت است و طبق قانون هیچ کس مجرم نیست، مگر اینکه در دادگاه صالح مجرم شناخته شود.»

آنچه که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری بیشتر از سابق خودنمایی می‌کند، مسائل مربوط به تضمین حقوق شاکي و متهم و شاهد و اصحاب پرونده است و مسائلی که سابق در مورد مدافعان متهم و حق دفاعیات وی توسط وکیل وجود داشت کنار گذاشته شد و داشتن وکیل از حقوق مسلم متهم پرونده شناخته شد و دادگستری و مأمورین ضابط تحت امر وی مکلف گردیدند که به نحو مقتضی حقوقی که قانون برای متهم در نظر گرفته برای وی روشن و تبیین نمایند، ضمناً اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل برائت هم هنگام تعقیب متهم مد نظر قرار گرفت.

بیان در مورد ممنوعیت و مجازات داشتنان واصل نشده، از مصادیق ظلم است و لذا قبیح و زشت است (۱۹).

به غیر از این دو موردی که در بالا بیان شد، بسیاری از اصول دیگر ریشه در اسلام دارند. به عنوان مثال اصل «عطف به ما سبق‌نشدن قانون» که در حقوق اسلام بر اعتبار این قاعده دلیل‌هایی را ذکر کرده‌اند، از جمله این دلیل‌ها آیات قرآن کریم است. همچنین قاعده قبح عقاب بلا بیان که قاعده‌ای عقلی است و بر طبقات کیفر دادن بدون بیانات ناپسند است (۱۸).

مورد دیگر که به عنوان یکی از اصول جدید در دادرسی از آن یاد می‌شود حق طرفین دعوی به داشتن وکیل است. طبق روایات امام علی (ع) هرگاه درباره اموال خود به دادگاه فراخوانده می‌شد برادرش عقیل را به عنوان وکیل خویش روانه دادگاه می‌کرد. وکالت دادن بر آستانه‌های قضات از زمان پیامبر خدا (ص) جریان داشته است، بی‌آنکه کسی را نکوهیده بدانند یا جلو آن را بگیرد (۲۰).

در اصل مهم علنی بودن دادگاه‌ها در حقوق اسلام نیز بر اصل علنی بودن محاکمات تأکید زیادی شده و به قاضی توصیه شده است که از علما و فقها بخواهد که هنگام محاکمه حاضر باشند تا چنانچه خطایی مرتکب گردید به او گوشزد نمایند: «مستحب است که هر کس به جلسه محاکمه دسترسی داشته باشد و قاضی نگرهبانی را به کار نگیرد که مانع دسترسی مردم به وی شوند و نیز در روایتی از پیامبر نقل می‌شود که هر کس عهده‌دار امری از امور مردم باشد و مانعی را برای نیاز آنان ایجاد کند خداوند برای نیاز او مانعی ایجاد خواهد کرد» (۲۱).

**۳-۵. حقوق قضایی شهروندان در قانون اساسی مشروطه:** قانون اساسی مشروطه نخستین قانون اساسی ایرانیان بود که در سال ۱۲۸۵ خورشیدی به امضای مظفرالدین‌شاه رسید و تا سال ۱۳۵۷ که حکومت مشروطه از میان رفت قانون اساسی ایران بود، چون این قانون بعد از موفقیت مشروطه‌خواهان و با عجله تنظیم شده بود و در آن ذکری از حقوق ملت به میان نیامده بود، در سال ۱۲۸۶ خورشیدی متمم به امضای محمدعلی‌شاه رسید.

است» را می‌توان زمینه‌ساز آن دانست. اصل ۱۶۷ قانون اساسی مؤید این امر است.

در قانون جدید مجازات اسلامی نیز فصل مستقلی به اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها اختصاص داده شده است. ماده ۱۳ این قانون مقرر می‌دارد: تجاوز از حدود قوانین و رأی دادگاه در موارد اقدام و اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی ممنوع است و اگر چنین اتفاقی روی دهد اگر عمدی باشد جرم تلقی شده و اگر غیر عمدی و ناشی از قصور باشد، عامل مکلف به جبران خسارت است و اگر هیچ یک از این موارد نباشد، باید خسارت موجود از صندوق دولت پرداخت گردد.

اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها همچنین در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز پیش‌بینی شده است؛ «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.»

به موجب بند ۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در باب قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها بیان می‌کند: «دخالت سلیقه افراد و نظرات شخصی آن‌ها در انجام تحقیقات مقدماتی و کشف بزه و تعقیب بزه‌کار کاملاً ممنوع است و همگی این اقدامات و قرارهای تأمین صادرشده باید توسط مقام قضایی آن هم به صورت صریح و واضح باشد و نباید به هیچ‌گونه خشونت و توقیف غیر قانونی متوسل شد و ضمن اینکه تا زمانی که شخص مباشر یا شریک و معاون در محکمه صالح به موجب رأی استنادشده به مواد قانونی و استدلال مکفی به صورت قطعی محکوم نشده باشند زیر چتر حمایتی قانون هستند و اصل بر برائت ایشان است» (۱).

**۳-۶. حق دادخواهی و انتخاب وکیل پس از انقلاب اسلامی:** اصل ۳۴ قانون اساسی حق شکایت را پیش‌بینی کرده است: «موفقیت حق مسلم هر شخص است و همه می‌توانند با هدف شکایت به دادگاه‌های صالح مراجعه کنند.

در قانون آیین دادرسی کیفری بر حقوق مشروع افراد در تمام مراحل تأکید شده است، ماده ۲ این قانون قانونی‌بودن دادرسی و تضمین حقوق اصحاب پرونده و یکسان‌بودن افراد در برابر قانون را تضمین می‌کند، ضمناً ماده ۳ نیز به اصل استقلال و بی‌طرفی دادگستری و دادرسی سریع و جلوگیری از اطاله دادرسی است و از همه مهم‌تر ماده ۴ این قانون به اصل مترقی برائت اشاره داشته که ممنوعیت هرگونه عمل سلب‌کننده آزادی و تجاوز به حریم خصوصی افراد را می‌رساند و این اقدامات باید تحت نظر قاضی و دارای مقرر قانونی باشد و حفظ کرامت اشخاص نیز لازم است، ضمن اینکه اصل برائت در زمان دادرسی مقدم بر سایر موارد است و در قانون آیین دادرسی کیفری بسیار مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است، در بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی توجه به اصل برائت تأکید شده است؛ «محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود ورای مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر قطعی نگریده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.»

**۲-۶. اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها پس از انقلاب اسلامی:** در اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانونی‌بودن مجازات‌ها مورد توجه قرار گرفته است: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند و در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلیل بلافاصله کتباً به مراجع صالح قضایی ارسال و محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

در اصل ۳۶ نیز آمده است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» اجرای اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها بر عهده قوه قضاییه و دادگاه‌های دادگستری است. همچنین اصل ۱۶۶ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستند و مستدل به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده

#### ۷-۱. منع آزار و شکنجه در کسب اقرار، شهادت و

**سوگند:** هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا اطلاعات ممنوع است. مجبور کردن شخص به شهادت یا اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی اعتباری ندارند و ناقض این اصل طبق قانون مجازات خواهد شد. اصل ۳۸ قانون اساسی مؤید این امر است. مطابق این اصل هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است عبارت هرگونه شکنجه مذکور در این اصل به طور مطلق ذکر شده است و دارای قید نیست و به این ترتیب، هم شامل شکنجه بدنی و فیزیکی (شکنجه مادی) می‌شود و هم شامل شکنجه روحی و روانی (شکنجه معنوی).

ممنوعیت اقرارگرفتن به وسیله شکنجه در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است و برای عاملین این اقدام چه مأمور قضایی چه غیر آن ضمن قصاص در صورت وجود شرایط قانونی و همچنین دیه مجازات حبس را در نظر گرفته است و اگر امر آمر باشد فقط مجازات برای آمر است و اگر متهم به وسیله این شکنجه‌ها فوت نماید قتل است و مباشر یا شکنجه‌گر به مجازات قتل محکوم خواهد شد.

در این ماده برخلاف اصل ۳۸ قانون اساسی که شکنجه را به طور مطلق بیان کرده است، در مورد شکنجه فقط به اذیت و آزار بدنی اشاره نموده است و این امر را به ذهن متبادر می‌کند که تنها شکنجه بدنی قابل مجازات است و شکنجه روحی را دربر نمی‌گیرد. برای رفع این ابهام قانون منع شکنجه که در ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۱ تصویب شد انواع شکنجه‌های روحی و روانی را داخل در تعریف شکنجه قرار داده است؛ «تمامی اقرار و اعترافات که بدون رعایت مفاد این قانون از متهم اخذ شده باشد و در دادگاه از طرف وی مورد انکار قرار گیرد، در صورت وجود نداشتن ادله و قراین قابل قبول دیگر، از درجه اعتبار ساقط و از عداد دلایل خارج خواهد بود.»

بدیهی است اگر ادله وقوع بزه‌ای اقرار متهم باشد و این اقرار ناشی از اجبار و آزار و اذیت وی بوده باشد، علاوه بر ممنوعیت این اقدامات آن اقرار نیز فاقد ارزش قضایی است و این تحقیقات بایستی بر اساس آموزش و نظارت سابق باشد و اگر

همه اعضای ملت حق دارند به چنین دادگاه‌هایی دسترسی داشته باشند و همه حق تجدید نظرخواهی دارند.

در اصل ۳۵ قانون اساسی در مورد حق انتخاب وکیل نیز آمده است: «در تمام دادگاه‌ها، طرفین دعوا حق انتخاب وکیل برای خود را دارند و اگر توانایی انتخاب وکیل را ندارند، باید به آن‌ها امکانات تعیین وکیل داده شود. ماده ۵ آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۴ اشعار می‌دارد: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.» همچنین ماده ۱۹۰ نیز در مورد این حق و تأکید بر آن اشعار می‌دارد: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود...». در این ماده علاوه بر تأکید بر این حق، این وظیفه را برای بازپرس ایجاد می‌کند که حقوق شهروندی را به اطلاع برساند، مطابق تبصره ۱ همین ماده قانونی سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود (۲۲).

همچنین وفق ماده ۳۴۶ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۴ در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز بر این امر تأکید دارد؛ «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آن‌ها فراهم آورند.»

#### ۷. امنیت متهمان و محکومان از فشار و تعرض غیر

**قانونی:** مراجع قضایی و ضابطان آن، در حین اجرای وظایف قانونی خود همواره باید حرمت انسان‌ها را مد نظر قرار دهند و از ارتکاب اعمال غیر قانونی نسبت به اصحاب دعوا، متهمان و محکومان خودداری کنند.

کسی این اصول را نادیده بگیرد مطابق با قانون با وی برخورد خواهد شد (۲۳).

**۷-۲. منع هتک حرمت نسبت به متهمین و محکومین:** احترام به حیثیت افراد در هر موقعیتی یا مقامی که باشند از وظایف افراد و حکومت به شمار می‌رود. از این رو افراد متهم، مجرم و زندانی نیز در حدود قانون، مشمول این احترام می‌باشند. هرگونه رفتار با افراد متهم باید به موجب قانون و حکم عادلانه دادگاه باشد، بنابراین پیش از مجازات‌های مقرر اعمال هرگونه رفتار ناخوشایند نظیر هتک حرمت به آنان سزاوار نیست.

اصل ۳۹ قانون اساسی در این باره می‌گوید: توهین به حیثیت شخصی که در هر نوع قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده باشد، ممنوع است.

ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی در واقع ضمانت اجرای کیفری را بیان می‌کند. مطابق این ماده: «هر مقام وابسته به نهادها و ارگان‌های دولتی که برخلاف قانون، علاوه بر اخراج از خدمت و محرومیت، از آزادی شخصی افراد محروم یا آن‌ها را از حقوق اساسی خود محروم کنند. به کیفر از یک تا پنج سال محرومیت از مشاغل دولتی و همچنین به دو ماه تا سه سال زندان محکوم خواهد شد و در ماده ۶۰۸ همین قانون آمده است: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود» (۲۲).

در بند ۴ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در این خصوص آمده است: «با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.»

**۷-۳. علنی بودن دادگاه:** اصل یک صد و شصت و پنجم قانون اساسی در مورد اصل علنی بودن دادگاه‌ها بیان می‌کند: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت

عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۴ ماده ۳۵۲ محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند (۲۳).

### نتیجه‌گیری

از لحاظ پیشینه رعایت حقوق قضایی شهروندان توجه به اصولی همچون اصل برائت و یا اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها بیش از آنکه ریشه در تفکرات نشأت گرفته از مغرب زمین داشته باشد، ریشه در تفکرات شرقی منبعث از دین مبین اسلام دارد. در هنگامه عرضه دین مبین اسلام توسط خاتم النبیین (ص)، دین اسلام همراه خود اصول بسیار روشنی را عرضه داشت که تا سال‌ها بعد در جهان غرب اجرا نمی‌شد، از جمله اصل مهم برائت.

در ایران این اصول در ابتدا در قانون اساسی و سپس در سایر قوانین عادی ذکر شده است. بیان کردن اصول در قانون اساسی درجه تضمین و ارزش این اصول را بالا می‌برد، همانطور در قوانین عادی با به تصویب رسیدن قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که به طور مفصل به بحث حقوق قضایی شهروندان پرداخته است، بیان این اصول را به طور مفصل تر و با توجه به اصول بین‌المللی دادرسی عادلانه مشاهده می‌کنیم. در قانون اساسی ایران که برگرفته از شرع مقدس می‌باشد، اصل ۳۷ به طور صریحی تضمین‌کننده اصل برائت می‌باشد. همچنین از اصل ۱۶۵ تا اصل ۱۷۰ به نوعی در حمایت از حقوق شهروندی در مراجع قضایی می‌باشد که تضمین‌کننده اصل قانونی بودن مجازات‌ها و اصل علنی بودن محاکم می‌باشد. همچنین در قانون اساسی در اصول ۷۶ و اصول ۹۰ قانون اساسی راهکارهای نظارت را پیش‌بینی کرده است، از جمله در اصل ۷۶ به حق تحقیق و تفحص مجلس اشاره کرده و در اصل ۹۰ به حق شکایت مردم از طرز کار سه قوه و پیگیری شکایت توسط مجلس اشاره کرده است که این حق شامل نظارت بر دستگاه قضایی هم می‌شود. این دو اصل

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

باعث می‌شوند که تظلم‌خواهی در مواردی که محاکم قضایی عملکرد مطلوبی نداشته باشند، امکان‌پذیر شود. در قوانین عادی در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در بند ۱۵ این قانون قوه قضاییه را مکلف کرده است که بر حسن اجرای اصول یادشده در قانون نظارت کند و دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ این قانون در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ به تصویب رسیده است.

التهایه در مباحث مطروحه در این پژوهش پس از نگاهی به سیر تطور و تحول امورات تقنینی مربوط به حقوق شهروندی در محاکم قضایی به این موضوع پی برده می‌شود که در این سیر، نگاهی به قوانین بین‌المللی به همراه ملاحظات شرعی و فقهی وجود داشته است و قوانین مصوب از لحاظ محتوایی تا حد زیادی تضمین‌کننده حقوق شهروندی می‌باشند، به طور کلی در زمینه حقوق شهروندی در محاکم قضایی با توجه به نگاه ویژه دین اسلام به مقوله کرامت انسانی و همچنین جایگاه مبرز عدالت و دادخواهی در این شریعت آسمانی، پیشرفت‌های تقنینی فراوانی صورت پذیرفته است، البته در کنار این پیشرفت در حوزه تقنینی، رویکردهای اجرایی این قوانین نقش مهمی در ظهور و بروز خواسته‌های به حق شهروندی دارد، در برخی موارد اشتباه یا تعلق در رویه‌های قضایی ایجادشده در محاکم این موضوع را به اذهان تظلم‌خواهان متبادر می‌کند که قانونگذار در زمینه حمایت از حقوق شهروندی قوانین متقنی را وضع نکرده است و حقوق شهروندی در بعض موارد پایمال می‌شود، اما با نگاهی به قوانین می‌توان به این امر اذعان داشت که هر آنچه اتفاق می‌افتد و کاستی‌هایی که مشاهده می‌شود، بیشتر معطوف به عملکرد است تا قوانین.

### مشارکت نویسندگان

قربان نوروزیان: جمع‌آوری داده‌ها و نگارش مقاله.  
علی صالحی فارسانی: راهنمایی و نظارت بر تألیف مقاله.  
علیرضا صابریان: راهنمایی و نظارت بر تألیف مقاله.  
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

## References

1. Hashemi SM. Constitutional Law. Tehran: Mizan Publications; 2007. p.472. [Persian]
2. Tabatabai Motameni M. Public Freedoms and Human Rights. Tehran: University of Tehran Press; 2011. p.66. [Persian]
3. Nowruzi K. Judicial Security and the Judiciary Organization in the Islamic Republic of Iran. Quarterly Journal of Strategic Studies. 2000; 3(10): 68-80. [Persian]
4. Ishraqi HR. Judicial Security Based on Human Dignity. Judicial Journal. 2007; 11(66): 40-43. [Persian]
5. Zarei MH. The Rule of Law in Political and Legal Thoughts. Mofid Magazine. 2001; 8(26): 51-68. [Persian]
6. Peter H, Russell D, O'Brien M. Judicial Independence in the Age of Democracy: Critical Perspectives from Around the World. Virginia: University Press of Virginia; 2001. p.9.
7. Linda CK. Judicial Independence and Human Rights Protection Around the world. Judicature. 2002; 85(4): 34-42.
8. Hesham N, Crystal J, Brown N. Criminal justice and prosecution in the Arab world. A Study Prepared for the United Nations Development Programme, Program on Governance in the Arab Region. Cairo: Islamic Publications; 2004. p.31.
9. David B. Judicial Independence and the Rule of Law, Washington University Law. Journal of Law & Policy. 2006; 22(57): 57-70.
10. Walker DM. The Oxford companion to law. Oxford: Law Publications; 1980. p.867.
11. Kochi A. Independence and Impartiality of Judges, the Basic Condition of Fair Trial. Journal of Judgment. 2007; 5(47): 37-50.
12. Salehi Mazandarani M. A Reflection on the Civil Liability of a Judge in Article 171 of the Constitution. Journal of Jurisprudence and Law. 2005; 4(47): 133-160. [Persian]
13. Ashouri M. Criminal Justice. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1997. p.40. [Persian]
14. Bushehri J. Fundamental Rights of Principles and Rules. Tehran: Anteshar Co. Publications; 2011. p.71. [Persian]
15. Ziaefar MH. The right to have a lawyer or legal advisor in the preliminary investigation stage with emphasis on the procedure of the European Court of Human Rights. Journal of Constitutional Rights. 2007; 4(8): 417-433. [Persian]
16. Mahmoudi F. The rule of door and its application with the interpretation of doubt in favor of the accused in the case law. Research Journal of Imam Sadegh (AS) University. 1999; 5(9): 123-159. [Persian]
17. Karami MB. An Introduction to the Penal System of Ancient Iran. Tehran: Third Line Publications; 2001. p.152. [Persian]
18. Khosroshahi GH. Philosophy of Retribution from the Perspective of Islam. Qom: Book Garden; 2001. p.112. [Persian]
19. Ardabili M. General Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2018. p.127.
20. Mohaghegh Damad SM. The Ugly Rule of the Unspeakable Eagle and Its Comparison with the Principle of Legality of Punishments. Journal of Philosophical and Theological Research. 1999; 2(1): 77-92.
21. Saket MH. Trial in Islamic Law. Tehran: Mizan Publications; 2003. p.274.
22. Zeraat A. Criminal Procedure Code. Tehran: Mizan Publications; 2014. p.238.
23. Mousavi Bojnourdi SM, Soleimani M. Jurisprudential study of the rights of the nation in the third chapter of the Constitution. Matin Research Journal. 2006; 3(30): 83-120.